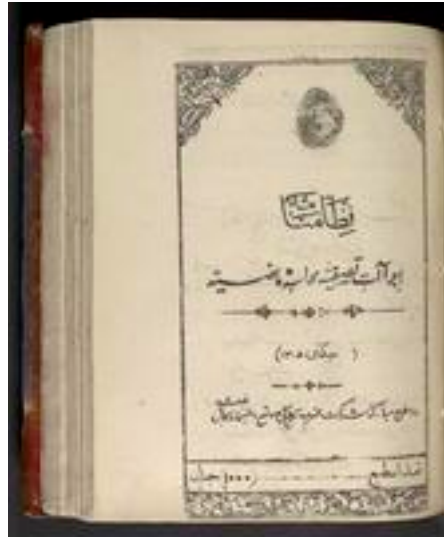


[Afghanistan Digital Library](#)

adl0668

<http://hdl.handle.net/2333.1/dncjsz51>

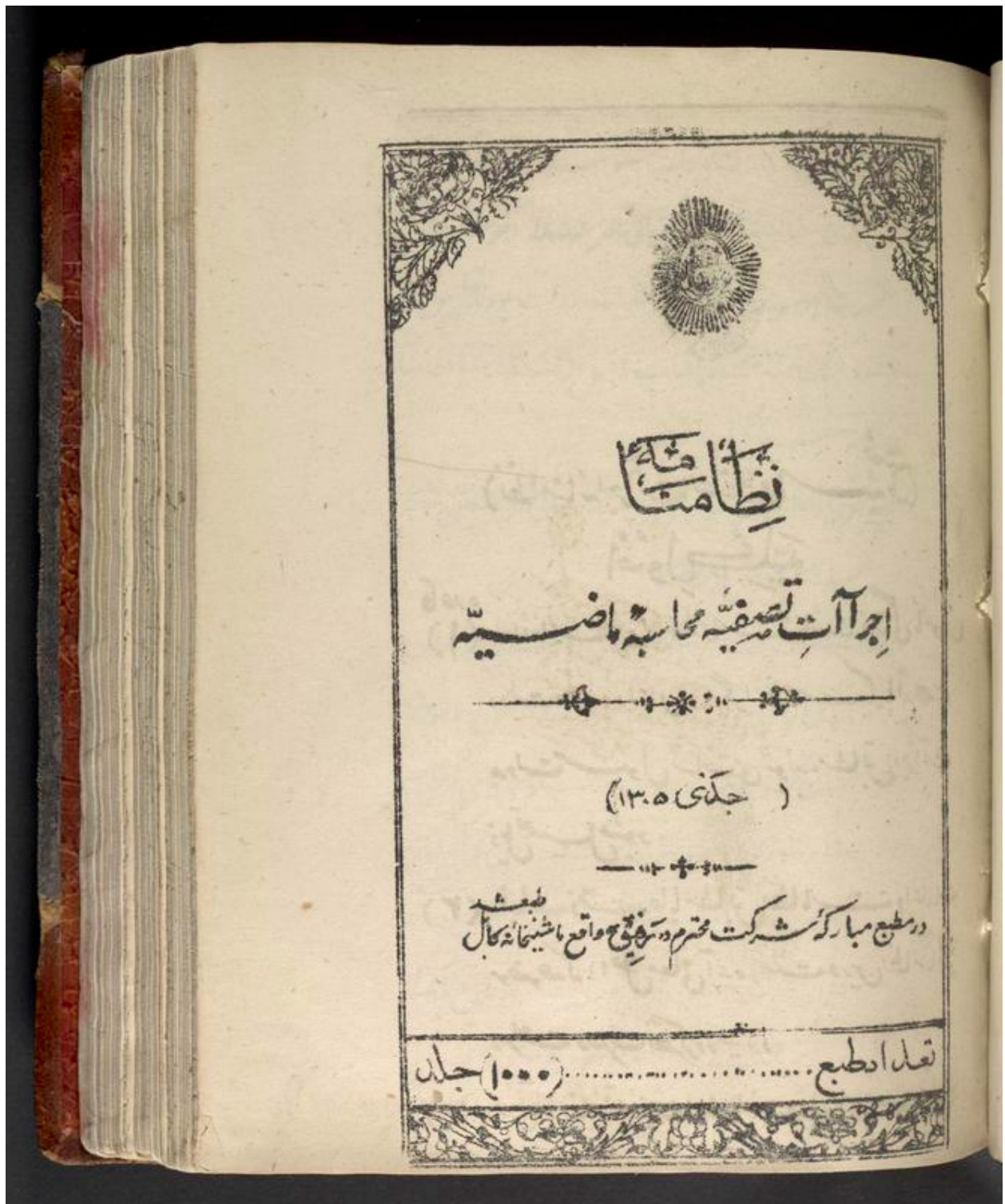


This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu





(نظامنامه اجراءات تصفیة محاسبیه)

أصول کلیه

قاعده (۱) - در افغانستان تصفیة محاسبیه ماضیه ذمهگی نامور
دولت و عمده داران و دیگر اشخاصیکه بالذات
بدولت سؤل شناخته می شوند، مطابق اجراءات
ذیل تکمیل میشود.

(۲) - بباب ذمه رعایا مطابق نظامات و اعانات
موضوعه که داخل معانی آمده است درین نظامنامه
ومراعت و صرف نظر کرده میشود.

(۳) - این نظامنامه تصفیة محاسبیه ماضیه درباره محاسبیه

و عهد برارانی که بالذات بدولت مسکونند، و از ابتدای
قری مجری مطابق ۱۲۸۳ شمسی الی آخر ۱۲۹۷ آخر سلطنت
اعلیحضرت شهبید شامل ماموریت دولت بود تطبیق داد
میشود برای حسابات و باقیات ماقبل از ۱۲۸۳ آتی نظامنا
جدگانه تنظیم خواهد یافت.

(۱) - جمع و خرجها و اوارجهائی که تا حال قطع نشده و باقی آن معین نشده
بقرار فقرات ذیل اجرا شود.

الف - حساباتی که تعلق گدامداران و خزانه داران
و تجویداران دولت باشد اسم و ولد و ساکن و مامور
شان برای نائب الحکومه یا و حکومتی های اعلیٰ خبر
واده شود که خود نفی را خواسته در مال و ملک و
جاد او شان بواسطه علاقه دار و قریه و کلای تخته علاقه دار
علم آوری شود. بدون علم آوری جاد او مال و ملک
دیگر هیچ کس نباید الای او و تعلقات او نشود، پس از
علم آوری صورت تحقیقات خود را به مدیریت تصدیق نماید.

روانه کند

ب: - نامورین محاسب علم در حساب مذکور بسیار است
که بعد از مغزولی او مالیه و ذمه گی او موجودی شود
و یا موجودی نشده، اگر موجودی شده باشد اتمام کار
مذکور به چند مورد و چه مصارف میشود،
جاداد شخص حسابده چیست، اگر جاداد شخص
حساب ده اضافه و مصرف ساختن حساب
او کمتر شود حساب او تمام و باقی او معین شود، و آن
که شخص حسابده جاداد داشته باشد یا جاداد آن
مصرف ساختن حساب شان کمتر باشد و ساختن
حساب آن حاصل بدست نداشتن باشد درین
قسم حساب صرف نظر کرد شود.

ج: - محاسبانی که قلع نشده باشند و تحویلداران و کارداران
نوت و قرار و لا جاداد باشند نامورین محاسب علم خود را باین
که اسباب تحویلی او بکجاست چیزی موجود است یا نه

نید باشد اگر وجود باشد آدم مستتر کرده موجودی و
تحويل تحويل را نباید والا که موجود نباشد ساختن حساب تکلیف
زیاد و لا حاصل باشد صرف نظر کرده شود.

د: چون مدعا حساب علم آوری دخل و خرج است اگر جمع و
خرج ساخته و باقی برآمده باشد، باقی از قرار جمع و خرج و اگر
جمع و خرج ساخته نشده باشد اوارجه قطع و تمام باشد
انقرار باقی اوارجه و اگر اوارجه نباشد روزنامه و رپورت
که فاضل و باقی نوشته داشته باشد یا اوارجه رقم که رقم
برقم آن باقی برآمده باشد باقی حساب معلوم می شود
بهر قسم حساب که باقی حال معلوم شود، همان قسم
حساب در دست است، حاجت بساختن جمع و خرج
و خلاصه ملحقه ندارد، والا که اوارجه و روزنامه
جمع و خرج اسباب حساب موجود باشد و خود عامل
و سابط و کار دار فیت و فرار و لا جای دارد باشد
نظر کرده شود.

(۵) :- در باب حساباتی که اتمام باشد و قطع فیصله آن ضرور

ملاحظه شود بقراقرات ذیل احسب میشود :-

الف :- محاسباتی که عامل و ضابط مقرری داشت و عامل و

ضابط آن حیات حسابات مذکور را قطع و تمام نمایند.

ب :- محاسباتی که عامل و ضابط داشته باشند و فوت و فرار باشد

و ورثه آن صاحب جایز او باشد باید خود ورثه و یا وکیل

که موجود باشد حساب را قطع کنند و یا وکیل جدید بگیرد

و اگر ورثه مذکور نداشته و یا ورثه او صغیر باشد از طرف

دولت نویسنده موقتی گرفته حساب مذکور تمام شود

و تنخواه نویسنده از ورثه او گرفته شود.

ج :- محاسباتی که تنویدار و ضابط داشته نویسنده

فلنجد مقرری نداشته باشد و یا نویسنده آن فوت

و فرار و لا وارث و یا الاجاید بوده باشد نویسنده

موقتی گرفته حساب مذکور قطع شود و تنخواه بقراقرات

امور تصفییه محاسبه از دولت داده شود.

(۶) باب تصفیة باقی باقیه مان که بعد از جرائی در کاسته که
در معطلی و تحقیق طلب مانده بود و بقرار توابع شعبه اول از تحکیم
و معافی آمده باقی بدمه مأمورین دولت و یا عهده برار مانده
مأمورین تصفیة محاسبه صورت باقی ذمه گئی اورا تفصیل از نویسد
اگر از ایالت کابل باشد برای والی کابل روانه بدارند و اگر از ولایات
و حکومتی های اعلی باشد برای نایب الحکومه یا و حکام اعلی
بنویسد که (فلان شخص) ابن (فلان شخص) مأمور فلان
اینقدر وجه از فلان سال دادن دارد و خود او را خواسته
مطلوب میکند که اگر بدمه خود باقی مذکور را حق بداند خط قبولی
باشه اطرسانیدن آن به هر محکمہ شرعیة گرفته
روانہ کند و الا که وجه مذکور را بدمه خود حق نداند و رسید
و سند حسابی داشته باشد که در مجرائی محاسبه او ملاحظه نشد
باشد نقلندات او را بتاریخ و سال و اسم تحویل و ثبت
صفحه کتاب که بان ثبت است ورق ساخته بحضور
حاضر و از دکه علم در سندات او بیاورند و بعد از

علم آوری ورق مذکور را در دایره تصفیّه محاسبه ماه
روانه کنند که در حسابات اقطب سیق بنهند و الا که شد
و دست آویزند داشته باشد خط شرعی گرفته شود که الی
سه ماه بجا بل حاضر شود و در فیصله حساب خود علم
بیاورد، اگر آن دو ماه الی شش ماه حاضر نشد و بقی
قطعا بالکس او حواله شود.

(۷) : جمع و خراجهای که قطع شده و یا اوار حسبه مالی که تمام شد
و باقی آن معین شده علاوه سخنش و ملاحظه شد است
ضرورت ندارد و بجهان صورت که فیصله شده درست است
باقی آن بقدر اقرار قواعد مقرر که اینضاح یافته فیصله
شود

نظام اجراءات

(۸) - تشخیص می که در یک ناموریت دولت مستخدم بود
و خدمت کرده اند در زمان خدمت تنخواه براس او
داده نشده، و حالا در محاسبه خود با قید راست
بقرار ذیل اجرا و تطبیق شود.

الف: - اگر تنخواه شخصی و یا وظیفه و یا مستمری از طرف
دولت براس او مقرر بوده و تنخواه زمان ناموریت
او تا حال داده نشده باشد تنخواه شخصی یا وظیفه
و یا مستمری زمان ناموریت او بعوض باقی او بعد تحقیق که
از دیگر دستبرده باشد محاسبه داده شود.

ب: - اگر تنخواه شخصی و یا وظیفه و یا مستمری مقرری نداشته
سه سال قبل از ملازمت ناموریت او دقیق شود هر
تنخواه که براس کار مذکور داده شده باشد سه یک ساله
مذکور تنخواه یک ساله او شمرده شود و اگر نسبت تنخواه ساله

معین نشود و از روی بست تنخواه یکساله گذشته
هر قدر که لازمست کرده باشد بر او مجری
داده شود.

ج: اگر در گذشته مامورین اسبق تنخواه نبرده باشند
درین صورت بدیگر ماموریت که کار آن مطابق خدمت
او بوده باشد تطبیق داده تنخواه برای او مجری داده شود
(۹) تنخواه عمال و ضابط و تحویلدار و پیاده و ترار و دار و وظایف
و مستمری ستیری خواران و ملکانه ملکان افسر اشرافی
همه ساله منظوری گذشته در جمع و خرجها مجری شده و خرج
دست خوان حکومتیها و مخارج جنبها و عیدین که بقرا ملکان
حکام ماضیه در جمع و خرجها مجری شده و باز بصیفه
سند طلب بازگشت شده و در باقی افتاده مطابق مقرری
و منظوری گذشته و مطابق حکمنامه های حکام که در خصوص
خرج دست خوان و مخارج جنبها و عیدین احکام نموده اند
مجری شود و اگر در جمع و خرجها مجری نشده باشد هم بقرا

مقرر می مجبوری داده شود.

(۱۰) :- در باب معطلی ثالثه زده گی و ملخ خورده گی و آب برده گی
 املاک و خشک و خراب و قنات و کاریز خسرویه و غیره
 داخل سرك رفته باشد و یا داخل رباط شده باشد و قوتی و
 فراری اصنائی که در جمع نامو یا عهده برآورده باشد و یا
 زده گی و یسوزنه گی غلّه که در جمع و خراب یا بیغده سطل
 معطل مانده باشد اگر در همان زمان مجلای شهری یا
 عرفی و یا تصدیق حاکم و یا دستری شده باشد بقرار
 مجلای تصدیق مذکور مجبوری داده شود، در باب املاک
 آب برده و خشک و خراب علی التّفصیل بر استقویان
 حالیت اطلاع داده شود که اگر آئینده و پس
 آباد شده باشند در جمع دفتر جدید یا غیره نیامده
 باشد فسرود کرده شود، و اشخاصی که اصنائی شان
 بدفتر داخل بوده از پیشه خود دست بردار شده باشند
 بقرار مجلای تصدیق گام نیز برای شان مجبوری داده شود

(۱۱) - در باب درکات لاقبولی رعایا که بقرار ادا
ادعای طلب و یا را پورث محاسبه و یا قلمداد ملک در جمع
قریهات بسته شده و رعایا قبوله ارشده در گشته
دائمه گرفته نشده وجه مذکور را از سانسیده اند و
حسابات در باقی بصیغه لاقبولی افتاده درکات
مذکور بحسب راج حسابات مذکور مجری شود .

(۱۲) - بدو در خصوص بذر املاک سه کاری و تنخواه مرکب کار
و باغبان و خوراک مرکب و مصارف و مصالح املاک
که مطابق سر رشته دفتر مجتبی شرعی و یا رسیدنی
در جمع و در محاسبه مجری شده بود در حین حساب بصیغه
سند طلب بازگشت شده و تا حال سند سرکاری گرفته
نشده و در باقی افتاده مطابق سر رشته دفتر که حاصل از
بذر کم نباشد و یا بنا بر اوقات کسر کرده باشد بقرا قرض شرعی
یا عرفی و یا قرض حسیره خوراک مال و تنخواه مرکب کار و
باغبان در جمع و در محاسبه مطابق سند سرکاری مجری شود

(۱۳) به باقی جنس فله باب که دریائی جمع و خرج ما اقتاده و قیمت آن
 از قرار تعمیر مسندوی ولایت شده چون بهر حال بخود تعمیر
 و قیمت علانده دارد و قیمت هر کدام موافق قیمت خود
 همان محال گرفته شود، اگر قیمت محال معین نشود کرا
 آن از روی بعد مسافت مسندوی مطابق روح
 رعیتی و محصول آن فی صیغی روحیه مجری کرده شود
 (۱۴) در باب کرایه گدام که فله و اجناس سرکاری را رسانده
 و رسید گدام را گرفته معطل رسید شرعی و یارات سرکاری دفتر
 بوده در جمع و خرج با مجری شده و در ثانی به دیوان سخنش برگشت
 شده و دریائی بصیغه سند طلب اقتاده کرایه مذکور مطابق
 سند یا جمع گدام دارد و اندازه استبعاد موضع و قاعده
 گذشته مجری داده شود.

(۱۵) در رسیدات گدامداران که اسامی رهایا بدست دارند و رسیدات
 مذکور را گدامداران و یا تحویلداران در جمع خود بسته نموده
 به دیوان سخنش رسیده مذکور را داخل اضافه دریائی عامل نموده

در تحقیق طلب مانده است و تا حال بحسب مخرج مجری نشده
رسیدات مذکور بعد از تحقیق هر گاه امداد و تحویل آن
عالمان محسری داده شود.

الف: بگدادران و تحویلداران که حیات باشند و یا جا
داشته باشند بالای خودشان حواله شود.

ب: اشخاصی که فوت و فرار و لاجا و یا باشند از
دولت مجری داده شود.

(۱۶) مأمورینی که بعد از قطع محاسبه در حسابات خود فاضل
و باقی دارند بقسم سرار ذیل اجرا شود.

الف: بگدادران و تحویلدارانی که خرید و فروش دارند
از یک رقم جنس فاضل و از یک رقم جنس باقی
باشند فاصله آنها به تعبیر همان سال و
باقی شان به قیمت همان سال معین شود
فاصله از باقی مجری داده شود و اگر خرید
فروش نداشته باشند فاصله جو عوض باقی برآید

و یا فاضله جوی عوض باقی جو بقدر قیمت فوق بخری شود
 ب- تخویدارانی که جنس تحویل شان شده و همچنین جنسی
 بمصرف رسانیده و در حساب خود فاضل و باقی گرفته
 فاضله نامی سالهای ماقبل و مابعد شان که برقم باقی
 به قیمت برابر باشد بخری داده شود.

ج- اجناسی که درین مصارف تغییر رقم واقع شده باشد اگر تغییر رقم نگاشته
 یک رنگ دیگر رنگ بخری شود، اگر بعضی طول باشد از اجناس
 قیمت بهای که در عرض از یک گره الی سه گره و در طول از یک گره الی
 چهار گره که تفاوت داشته باشد بخری داده شود،
 از اجناس کم به مثل کلیم و شطرنجی و قالین و عرض
 از چهار گره الی شش گره و در طول از شش الی بیست
 گره که باشد بخری داده شود.

د- اگر تفاوت رقم از تغییر رقم باشد مثلاً کشمیر نخ
 پیشی مخلوط و یا سندی و شال و ابره و انگلیزی
 و سادو که قیمت تفاوت دارند و در طول و عرض

در پنج و آهین و فولاد و تفنگ انگریزی کابلی و پناه پروردگار
و غیره و غیره چند نفر از ما مورین تصفیه محاسبات
باتفاق علم آورده هر قسم در تغییر است مذکور نزدیک
از یک رقم باشد به اتفاق دستخط نموده از بنسبت
بر رقم آن محاسبی شود.

(۱۷) به اجناسی که در باقی تحویل دارند باشد و اجناس مذکور
نباشد بقر قیمت همان سال که مال تحویل او شده قیمت
گرفته شود.

(۱۸) اگر کسی که فوت و یا مطلق نامعلوم باشند مال تحویل او
موجودی نشده باشد به تحویل دیگر تحویل از کرده باشد که مورین
تصفیه محاسبه ارضیه با جازت آمر با فوق خودشان شش
مقدمت قرار داشته مال موجوده او به تحویل تحویل از کسی که لازم
تحویل بداند و رسید تحویل را بر بخرج حساب مذکور بجا بیاورد

(۱۹) به خوراکه مال مواشی که از ملک و گد امدار ماسه کاری
کمند بقرار رسید ماسه یکم مهر خود را گرفته و بخرج حسابات

۲۷
مجرس شده و در ثانی سنجشی با بازگشت کرده و در باقی بصیغه طلب
آورده اند بقرار ذیل اجرا کرده شود.

الف: بدقت کمند علم آورده شود اگر حبیره مقرری همان مال هوا
بدقت مانده باشد مجری داده شود.

ب: - اگر بدست سرکاری حبیره مقرری مال هواشی طلب مانده باشد
قبضه های مذکور را بمجلس عاقلان مجرس بدینند.

ج: - سائبانی که حیات باشند و جادو داشته باشند سائبانی
یکه مهرشان که حبیره مال خود را برده باشند با سائبانی
خودشان حواله شود، سائبانی که فوت و فرار باشند

و یا جانداوند داشته باشند، بعد از استحصال شاد

قوی که در فوت بودن و لا وارث و بی جادو بودن و بی

نائب سائبانی شمرده شود، اینطور باقیات صرف نظر

کرده شود، اسناد قوی مراد از محلا سائبانی شرعی که

در آن تصدیق کلامی کند و یا تصدیق علاقه دار و قریباً

و از عالم باشد سائبانی گفته میشود.

(۳۰) :- در باب خوراکه نظامی که از گداهای سرکاری و از نزد
دفتریان ملک بقرار تحس و رسید خودها گرفته باشند
بتفصیل ذیل اجرا گردد :-

الف :- بدقت نظام علم آوری شود، اگر تقبیر اقلداد
دفتریان بتخواه او شان مجرے شده باشد برای
عائمان و گداهان اران مجرے داده شود.

ب :- اگر بتخواه نظامی بهین غرض بدقت نظام معطل
کرده شده باشد حالاً بموجب اسنادشان
بداخل تشخیص بتخواه شان مجرے نموده برای عمل
گداهان اران مجرے داده شود.

ج :- اگر نظامی بتخواه خود را کاملاً برده باشند بالای
نظامی حواله کرده شود و براسن عمل و گداهان اران
داده شود.

د :- اگر نظامی فوت و لاوارثه بے جاد و سناخته
شود مطابق قاعده فوق الذکر که درباره نایبان شمر
شده

بعل آورده از طرف دولت معاف گشته میشود.

(۲۱) بدو رکاتی که در جمع عرصه دارو یا انانی کار بسته شده باشد و به دیگر موضع تکرار داخل قلمداد آمده باشد و در جمع عرصه دارو علحقه بسته شده باشد تکراری آن از قرار محلائے شرعی و عرفی که به تصدیق حکام و دستریان همان زمان رسیده باشد و یا حالاً بقواعد دفتر تکراری آن ثابت شود در حساب محسری داده شود.

(۲۲) بدو مخصوص املاک سرکاری و بندرات و مرکبات و عملی و خس برمی و غیره که نامورین دولت متصرف بودند و عمل ناموریت شان نسبت بعمل سال گذشته کسر واقع شده و در تریا کسر عمل گشته و حسابات شان افزوده و تخصیص داده و در رکات کسر عمل در حساب محسری نشود.

(۲۳) بدو عرصه دارانی که املاک سرکاری و یا دیورات را متصرف شده اند و یا بطریق تعاونی برای خریدن اشیاء بشرط معینه قرار داده اند و از طرف دولت بشرط قرار داد شان رفتار شده و تا حال حساب شان قطع نگردیده باشد.

قرار ذیل اجرا شود و اگر سابق حساب شان قطع شده باشد بهمان صورتی
که قطع شده درست است ۱-

الف: - بعضی معاملات را مثلاً پیمانه قرار داد و نموده اند و
در بین یک سال و دو سال از طرف دولت بدون قصور
اجاره دار حکماً منسوخ نموده شده باشد سایر امانی را که کار
عمل کرده باشند بقرار عهده براری شان حساب و گرفته
شود، همان سال ناقص که اجاره شان از طرف دولت منسوخ
شده است اضافه عهده برار معاف و اصل آنرا بدین
اضافه جمع گرفته تا نرخ عمل کردی شان بخیده و گرفته شود
و اگر خود عهده برار استغفی شده باشد و یا از طرف دولت
بد معامله گی شان منسوخ شد آنها گردیده باشد تا نرخ عمل کرد
آنها از قرار اصل اضافه گرفته شود.

ب: - بعضی معاملات را بشرط تقاوی یا آباء فی کاریز و جوی
و غیره عهده قبولدار شده اند از طرف دولت کسر امان
مذکور اجرا نشده حساب این طور که سابق قرار اصل جمع

بدون اضافه قطع شود و اگر اینچنین املاک لا محذور بود

هیچ عمل نکرده باشد قطعاً معاف شود.

ج- بعضی اجناس که به نرخ معین قرار داده شده

بشرط تقاوی هر قدر وجه آن را برده باشند

از قرار نرخ قرار داد عبوری شود و هر قدر

و جه آن داده نشده باشد، تفاوت نرخ آن

گرفته نشود.

(۲۴) - اسباب خورد و ریزه که قیمت آن هر کدام یک شاهی

ستار الی یک روپیه شود مثل قطعه بازی و شطرنج

و گوی تخت مرند و صابون و قلم و پاکت و غیره که نگه داشته

آن تکلیف بوده در باقی تحویل آورده یا شده مجرب داد

شود.

(۲۵) - بعضی اجناس که بخرج میرسد مثلاً در خانه سارا نیجا

پاکت و کافه، پن، کاغذ، گیر، کتابچه، سرینزی،

شمع، لاک، که براسه مصارف و بقدر ضرورت

داده شده و تصدیق مصرف را حاصل نموده در باقی

این قسم اشیا مجرب شود.

(۲۶) بر بعضی اجناس که در جمع و خرجهای تجویدار از موجودی گذشته

به اسم داغمه تحویل شده و یا اسبابی که از تحویلی خود تجویدار باستان

داغمه میشود و داغمه آن قیمت ندارد و نگه داشت آن برای تجویدار

آن تکلیف است اینهمه اسباب در حسابات ماضیه مجرب

داده شود.

(۲۷) اشخاصی که از دفتر پادشاهی تقاضای گرفته بودند که اینقدر

اشیا میرسانم و اگر به این موعده نرسانیدم اینقدر جریمه

میدهم و دفتریان جریمه مذکور را در باقی افزودند و نموده اند جریمه آن

مناقص کرده شد گرفته نمیشود

(۲۸) اشخاصیکه وجه تقاضای برای خرید اشیا گرفته بودند

که با اینقدر نرخ بالمقطع اینقدر اشیا میرسانم و بدفاتر پادشاهی پس

مذکور بقراردستجوبی شان بجمع شان بسته شده چون جنس یا از رسانید

از قرائت قیمت ماه گران باشد شان قیمت شده دولت تقاضا

اگر از امعاف فرموده باقی نرسیده گی شان از اقسام و جبه
برده گی و قرار دادشان حساب کرده شود.

(۲۹) باقیاتهای که از سالهای گذشته الی اخیر ^{۱۳۲۳} شمسی در
حسابات تحصیلداران باقی مانده است و سال بسال از
حساب یک تحصیلدار بحساب دیگر تحصیلدار داده
شده، همه این قسم باقیات که الی پانزده سال قبل ازین باب
کم شود و موافق نظامنامه که در باره باقیات قبیل از پانزده
ساله وضع میشود در آن باب معمول دارند.

(۳۰) جریمه جانی که از باعث غفلت خدمت وی یا شبهه دزدی
و غیره جریمه شده باشد و خود مجرم فوت باشد جریمه از دست
ندکوار گرفته نمیشود، جریمه مذکور مجرای داده شود.
(۳۱) کسر خشکی چوب سوخت و صابون و رنگ و ریش و سایر
بقرا استقامت که در سابق امتحان شده مجرای
داده میشود.

(۳۲) شایانی که بدست تحصیلداران از سالهای ماضیه باقی مانده

و سال بسال در جمع و خرجهای شان باقی افتاده است
اشیائی که کهنه و خراب و فرسوده میشود و یا شکست
درخت پیا میزند امثال بوریاد نرنگ و تنگ و توبره
جوال و بوری و لیسان نخ و موی و چاتی و کوزه و آفتاب
گل و جاروب و کپه و فلیت و تیل و سوز و شیش و لعل قین و آئینه و قلی و غیر
چیزهای که جنس مایع و هوای شود مثل پتروش و قیل خاک
شرقیات و غیره امثال آن محسری داده شود.

۳۳۳ بخانه های که برای گدایان سرکاری و برای نشینان
دولت بکرایه گرفته شده باشد و یا دکانهای عتیقی که برای
پیره های کوتهالی بکرایه گرفته شده اینطور کرایه موجب
تصدیق مامورین بن مان که موجود باشد و یا در حساب نشان
شده باشد بجزی داده شود.

(۳۴) دکانهای سرکاری و حمام و سرائی که خراب شده و یا
نشین پیدا شده عالمان سرکاری مجازند که برای
لاعل بودن آنرا بدست دارند و دستمزد بقرایه

گذشته در حجم عادلان بسته اند از قرار تقسیم بقای که قیمت هر ما
داخل است یا موجود باشد مجرای کرده شود

(۳۵) تغییر رقم کافات صکوکات و ممانعین که یک رقم بقی
قیمت گذشته شده و وجه نقد بقی افتاده و از
دیگر رقم فاضل میس باشد نامورین انحصار دارند که
اجرای کار از یک رقم بعوض دیگر رقم مصرف سید
درین صورت فاضل و بقی آن از قیمت بر قیمت
تغیر گردیده مجرای کرده شود و اگر قیمت فاضل اضاف
شود استحقاق مجرای را ندارد

(۳۶) اسب ماسه سقلی و مرکب و آینه کند که پوست
و داغ و دم آنرا تحویل نموده اند و بدین تغییر نشانی
درنگ مجرای داده شده است و بر ذمه نامان همچنان با
گذشته و یا قیمت آن معین گردیده و ممانع نامسان گفته
می شود و در صورت اسب که بکجه و نشانی سبک
و تحت مجرای کرده شود، نشان چپ سبک

و یا یک پاسفید و قشقه بر نایق تحقیق نشود.

(۳۷۸) غلّه گداها را و بخرا بی آورده و بقرار اجازه مرکز و یا
بقرار صوابدید و حکمت نامه های حکام برای رعایا
به صیغه تقاضای داده شده و گداها را رجعت شرعی و یا
عرفی به تصدق حاکم گرفته خود گداها را فوت شده و
یا موقوف گردیده تقاضای مذکور را بدست قلمداد داده و آن
دفتر برای تحصیل اربوده شده و در نقد رسال
تحصیل اربا غفلت نموده الحال که باقی رعایا در تحت معانی
آمده از قرار سندات رعایا و حکمت نامه برای رعایا
مجلس داده شود.

(۳۷۹) تغییرات سرکاری که برای سباجر بطور احاطه قلمداد
شده و اخراجات آن بقبر را پیمایش اول داد شده و
در نقد رسال پیمایش ثانی نشده اصل حواله داده گی
کارداران باقی افتاده اگر الحال پیمایش ثانی شود چنان
سالمه است گذشته در تغییر مذکور تغییر است

اگر تصدیق تمامی کار مذکور موجود باشد بقرار پیمایش اول
مجبوری داده شود.

(۳۹) پیشانی که در جشن باو خیدین و غیره شکست سخت
پیدا کرده و یا مفقود شده باشد در همان تاریخ تصدیق
کارداران همان زمان را تحویلداران بدست داشته
باشند تصدیق مذکور بحسب ج تحویلداران محرز
کرده شود.

(۴۰) در باب مترشکاری و کاهنگل کاری تعمیر باطله و
چهارانی بامی عسکری و لکپا و عمارات شاهیه که بقرار
رقعه حکام و منصبداران نظامی شده و دقیران
خارج آنرا محرز نداده فرمان پادشاهی را
طالب میباشند اگر مصرف مذکور براس
دولت باشد مکتوب و خط ماکم و منصبدار همان
بدینترشکاری داخل باشد محرز داده شود.

(۴۱) بحال و ضبط و اجاره داران که بعد از مفزولی قریه

پادشاهی حاضر شده باشد و باقی ذمه گی خود را جزو باید او قبول
کرده و از دفتر تحقیق شده و مسند آن ملا خطبه شده باشد
و به تحصیلا ابراهیم شده و اختصار حواله و تحصیل از محال
اجاره دار سلب شده از زمان جاد و اواده گی سالها
گشته و از یک تحصیل دیگر تحصیل ابراهیم شده
گشته و تحصیل الدان غفلت نموده اند جاد و مذکور علم او
شود هر قدر در جاد و مذکور قبولی اسامی و مسند آن
موجود باشد و داخل معانی انالی نیامده باشد گفته شود
و هر قدر فوت و فرار و لا حصول و مسند قبولی آن باشد
چون حال اقتضا تحصیل را نداشته و از خدمت
موقوف شده بودند بزم گفتاری نمی شوند، لا حصولی شان
عجسری در ده شود.

(۴۲) بحال و ضبط و عهده دار که وجه دولت بذمه شان

مانده باشد و جاد و خود را بذمه رعایا بدارند

جاد و ساکنان سابق را که بدفاتر پادشاهی بذمه رعایا

قلندار نموده باشد و تخمیناً در یک سال در تحصیل آن فضا
نموده باشد و یا دفترهای تخمیناً در داده باشند
اگر بقرار رسید حسابی جاودشان صحت باشد چون با
ذمه‌گی رعایا تحت معانی می آید بمرسده داده شود.
(۱۳) اشتیاق یک به قسم مفروزی و یا نقل و مهاجرت
از یک ملک به یک ملک آورده شده تقاضای و بزرگ داده
شده و یا مالیه املاک بزرگشان مانده در ثانی ملک از
نزدشان و افسر گرفته شده خودشان فوت یا فرار
و یا بوطن اصلی خود مراجعت نموده اند باقی ذمه‌گی شان
در حساب معاف و مقرر شده داده شود.

(۱۴) اشتیاقی که از نامورین و اجاره داران باقیده سرکار
باشند و اسمشان بقرار باشد محل سکونت آن از ده تا پادشاه
معین نشود نامورین محاسبه تا حد امکان تحقیق نماید
اگر ممکن معلوم کردن نشود به موجب سند تحقیق
باقی مذکور در محاسبه لا حصولی آورده شود.

(۲۵) نامورین داجاره داران که باقی دو سرکار باشند

نقد خواه جنس سکونت شان از مرکز ولایت الی
شش گروهی باشد الی پیر و پیه و از شش
گروهی الی پنجاه گروهی تا بیست روپیه باید و تحت
تحصیل و حواله داده نشود، در جمع و خرج حسب القسم
معافی محسبی داده شود.

(۲۶) نامورین و عهده داران که بسبب باقیات در بخت

میباشند چون در تصفیة محاسبات شان
علم آوری نشده عیالاً فقرات کار نفی مذکور
شود.

(۲۷) نامورین و عهده داران که در حسابات شان

باقی دار بودند و باقی شان قبل از تصفیة تحصیل
داده شده و اختصاص یک بدون حساب بطریق
ریزش بالای شان حواله شده باقی مذکور را در
قبولی نکرده اند، باقیات مذکور تا حال مانده باقیات

مذکور و سپس تسلیم مأمورین تصفیة محاسبه
ماضیه شود که به فقره را بقرار قواعد این نظام
فیصله نموده فقره بفقره مذکور که تصفیه و تمام گرد
صرف باقی آنرا بعد از قبولی به تحصیل آرد
(۴۸) مأمورین و اجاره دارانی که در یک ولایت
مأمور بوده و باقیدار شده و حال خودشان
بدیگر ولایت بوده باشند و از یک ولایت
باقی شان بدیگر ولایت قلمداد شده و
در حساب خود گفتگوی می نمایند به دو تفریق
اجرا شود.

الف: باقی که برزیده مأمورین و اجاره داران مانده
باشد و باقی شخصی گفسته شود و نقل او از جبه
و نقل حساب او از همان ولایت خواسته
شود و رد آنه دارند منسباب طلب رعایا که
از قسم برداشت مأمورین باشد و سندات

برداشت شان نزد رعایا باشد و نامورین
 درینجا قدر ملاحظه کنند خود را بدارند و در غیر صورت
 یا خود اسامی بولایت فسوبه آشنی رفته فینمله
 سیداء و یا دلیل گرفته روانه سیداء و اگر
 قبوله را باشد او است دین میدارد.

بسیاری که از قسم جاداد است باشد اگر بیاورند که
 در ملک باشد و سپس براسی نائب الحکومه و سون
 روانه شود که علم در بیاورد و فقره گفتگویی آورده
 بر قید که در تحت معافی و فرتگی رعایا باشد معاف
 و باقی آنرا مطابق قواعد نظامنامه هرا
 اجرا نمایند.

(۴۹) در کاتی که در دفعه مضامین تشخیص و خراعات
 و غمه طلب حواله داده شده و دایمه آن به تحویل
 تحویل نشده و یا انیز به سیداء و کسرات شهر
 گردانیده شده و بعضی فقرات تصدیق طلب حواله

که برات داده شده و یا جیره و خرج مفورین مهندی که
تقدیم نمودن حضور از دفتر خبری داده شده یا بعضی
بردات را بدون پایه مهری براسه اسامی داده اند و
این فقرات که ذمه گی رعایا گفت می شود معاف است .
(۵۰) در باب دیت مقتولین که شرعاً بالا سے رعایا دیت شد
و یا تاوان مال مسروق که بالا سے رعایا ابرو اءن شده و
بالا سے آن جریمه سرکاری افزوده شده و در جمع و ضربها
باقی می باشد بقرارات ذیل فیصله شود :-

الف: جریمه سرکاری هر قدر که حصول شده باشد ، و بجز آن
دولت رسیده باشد مجرای است ، و هر قدر
که از رعایا گرفته شده و سرکار رسیده باشد از عاقل
و ضابط و محکم گرفته و تحویل خزانه شود باقی که برده
رعایا بماند چون ذمه گی رعایا در تحت معافی آمده مجرود شود
ب: سوجه و دیت که نفس و رشه مقتولین و صاحب مال
داشته باشد اگر موافق شرع باشد و بر ذمه

۳۴

امالی باقی مانده باشد بقرار امر شرعی
و نظامت آن مخصوص آن تحصیل و برآ
ورثه و صاحب مال داده میشود و اگر کسی که
و بر دیت شرعی شان حصول شده
و بجز این دولت می باشد و براس و
مقتول داده نشده باشد بقرار رسید
شرعی براس و ورثه مقتول بالاس و خانه
رات داده شود. اما فیصله اولیه
که در باب حقیقت خبر شده ملاحظه شود تا
حق و ورثه حقیقی براس و دیگر داده
نشود تا و آن مال و دیت نامی که بقرار
احکام کتابچه حکومتی شده باشد و بر
امالی باقی باشد گرفته نمی شود و معاف است
(۵۱) و عا نه طرابلس غرب و عروسی معین است
صاحب و وجه خیرات و وجه محضه که

نامورین و امالی قبوله ار شده و عصریه و بریمه
و غیره حاضر می که بد قاتر سرکاری داخل است
و تا حال نرسیده و باقی معاف گفته میشود مجری
داده شود.

شرایط اقطاع

(۵۳) البتة انما هي التي كانت باقية في شأن بقراء قواعد و هدايات
این نظامنامه به صحت برسد، مطابق بیانات
ذیل تحصیل کرده میشود.

الف: کسانی که قبل ازین باقیات خود را قبول کرده
گردیده دولت بجهت اموال او شان قسط
نموده است، عیناً همان قسط حکم منطبق
دارد اخصال کرده نمیشود.

ب: کسانی که باقیاتشان بموجب اخطا
این نظامنامه معین میشود و قبوله را میگرد
هرگاه صاحب بجا داد باشند در کمال بدتر می

والی در ولایت ^{مطابق} نائب الحکومه باد حکام اعلیٰ
نظر به هستی و جا وادیهان باقییده از
یک سال پانزده سال قسط مقدر
نموده برای دولت حجت حاصل میاید
ج: - اشخاصی که باقی در دولت بوده جا واد
نداشته باشند و یا جا وادشان باقییده
آنها را پوره نکند هرگاه آردان تندرست و جوان
باشند بکارهای شاقه دولت اشغال
گردیده از وجه شریکیشان از دولت ^{صفه} ثلث المینا
برای نفقه خود و آنحضرت و اواده شود و اندیک
ثلث الی مناصف عوض باقی
نوشته کی شان برای دولت گستانده
شود و اگر ضعیف و سال خورده باشند
هیچ تکلیف بآنها نکرده و اگر گنشته شوند
د: - کسانی که قبوله ارقط نباشند و جمله هستی خود

بعوض طلب دولت براس دولت والذام
باشند، هستی این طور اشخاص بموجب قبالت شرعی
اخذ کرده میشود و براس نشین اینطور باقیات
جای سکونت مطابق اندازه شرع شریف
داده شود و در باره خود آنخصا موافق تفصیل
(ج) بعمل آورده شود.

همچنین کس که باقیه دار بود فوت شده باشند
هر قدر از جاداد و هستی آنها براس و رشتہ شان
مانده باشد موافق آن از رشتہ آنخصا گرفته شود
هرگاه جاداد موروثی اینچنین اشخاص باقی
دولت را پوره نکند باقی دولت بقسم معانی
مجرع شود، و اضافه بر آن بجاداد و هستی
ورثه آنخصا تعلق ندارد.

و کس که فوت و نامعلوم باشند و جاداد
نداشته باشند باقیات این طور اشخاص بموجب

تحقیقات حکام که مستند حاصل دارند و رتبت
معانی آورده میشود.

نیز کسانی که بهر اهره شان قسط مقرر میشود الی
ادایه باقیات خود بستی خود را فروخته نمیشود
اگر بغرض ادایه قسط بفروشن برساند اصل
ببایع فروشن عوض باقیاتش گرفته میشود
(۵۳) بدون قواعد است مفصله اند اگر بعضی فقرات
شود که در جمله قواعد است این نظامنامه نیامده باشد
نقره نامورین تصفیة محاسبه ماضیه فقرات
مذکور را بطور لایحه مرتب نموده حواله شوارت
دست میدارند، البسته بعد از تصویب مجلس
شورای و منظوری مجلس عالی وزیر را بطور ضمیمه
درین نظامنامه ایزاد کرده میشود.

(۵۴) کسانی که از نامورین مخالف این نظامنامه رفتار
یدارتند و یا کسانی که از حساب دمان سرکشی نمایند

۳۹

نظامنامه جزای عمومی در تحت محاکمه گرفته میشود.
در کابل وزارت مالیه و در اطراف نائب الحکومه
و حکام اعلیٰ و مستوفیان ولایات و سر رشته داران اعلیٰ
به اجراء این نظامنامه مامور و مکلف هستند.



مورخه ۲۰ حمل سنه ۱۳۰۲ شمسی .

